

آداب تبلیغ

10- شروع و پایان به نام و یاد خدا؛

«إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» (12)؛ «به نام پروردگارت شروع کن.»
«وَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَ إِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ» (13)؛
«پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می‌شوی به مهم دیگری پرداز و به
سوی پروردگارت توجه کن.»
«إِنَّ زُحْرَةً مِنْ سُلَيْمَانَ وَ إِنَّ زُحْرَةً بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ.» (14)

«بدرستی که این (نامه) از سلیمان است و (مضمون آن) این است : به
نام خداوند بخشنده مهربان.»

11- ستایش خداوند و درود بر پیامبر و آلش علیهم السلام ؛

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:
«كل امرئ یال لا یبدأ فیہ بحمدالله و الصلوة علیّ فهو اقطع ابتر
محموق من کلّ برکة» (15)؛

«هر کاری که با ستایش خداوند و درود بر من آغاز نشود گفتاری
ناقص و ناقص است و از هر برکتی محروم است.»

12- متصل به وحی الهی؛

«وَ مَا یَنْطَلِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْیٌ
یُوحَىٰ» (16)؛

«(رسول ما) از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید، سخن او چیزی جز وحی که
بر او نازل شده نیست.»

13- کمک گرفتن از خدا؛

«قَالَ رَبِّ اِنَّ الشَّارِحَ لَیْ صَدْرِی * وَ یَسِّرْ لَیْ اَمْرِی * وَ
احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِی * یَفْقَهُ هُوَا قَوْلِی» (17)؛

«(موسی) گفت: پروردگارا (اکنون که مرا به کار و مأموریت بزرگ
تبلیغ، ارشاد و مبارزه با طاغوت امر فرموده‌ای پس) سینه‌ام را
برایم گشاده گردان، (و بر صبر و استقامتم بیفز) و کارم را برایم
آسان فرما، و گره از زبانم باز نما، تا (آن‌ها) سخنان مرا (خوب)
بفهمند.»

14- سخن گفتن بر حق؛

امام کاظم علیه السلام فرمود: «قل الحق و ان کان فیہ هلاکک» (18)؛
«حق را بگو، گرچه هلاک تو در آن باشد.»

15- پاک و دلپسند؛

«هُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَ هُدُوا إِلَى صِرَاطِ
الْحَمِيدِ» (19)؛

«مؤمنان به سخنان پاك و پاكيزه و به راه خداى ستايش شده هدايت شوند.»

«إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ» (20)؛ «سخن پاك است كه به سوى او (خداوند) بالا مى‌رود. (و پذيرفته مى‌شود).»

16- روشن و روشنگر؛

«كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ» (21)؛ «اين قرآن كتابى است كه ما به سوى تو (اى پيامبر) فرستاديم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاريكىها به سوى نور، (نور خدا) خارج سازى.»

17- جداكننده حق و باطل؛

«وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ» (22)؛

«خداوند فرقان (يعنى: جداكننده حق و باطل) نازل كرد.»

18- نيكو و شايسته؛

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (23)

«(اى رسول ما! مردم را) با حكمت (دليل محكم) و پند و اندرز به شيوه اى نيكو به سوى پروردگارت دعوت كن.»

19- مستدل و منطقى؛

«قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (24)؛

«سخنان محكم، (منطقى و استوار) بگويد.»

20- توجه به عنصر زمان؛

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (25)؛

«ما قرآن را در شب قدر فرستاديم.»

«فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِيبُ إِلَّا فُلَيْنَ» (26)؛

«پس زمانى كه (خورشيد و ماه و ستاره) غروب كرد (ابراهيم عليه السلام) گفت: من چيزهاى كه از بين مى‌رود (و غروب مى‌كند) دوست ندارم.»

21- توجه به عنصر مكان؛

امام صادق عليه السلام به شاگرد ممتازش «ابان بن تغلب» مى‌فرمايد: «اجلس فى المسجد و افت للناس» (27)؛

«در مسجد بنشين و براى مردم فتوا بده.»

22- نرم و آرام؛

خداوند خطاب به موسى و هارون عليهم السلام مى‌فرمايد؛

«اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ» (28)؛

«به سوى فرعون برويد كه او طغيان كرده است و با او به نرمى سخن بگويد. اميد است كه به خود آيد (و از خواب غفلت و غرور بيدار

شود) یا (از خدا) بترسد.»

23- سنجیده و حساب شده؛

«أَلَمْ حَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا» (29)؛ «ستایش و سپاس مخصوص خدایی است که بر بنده خود کتاب (قرآن) را نازل کرده و برای آن هیچ کژی و انحرافی قرار نداد.»

24- هماهنگ و منظم؛

«أَلَمْ يَنْزِلْ الْحَدِيثَ كِتَابًا مُتَشَابِهًا» (30)؛ «خداوند قرآن را که نیکوترین سخن آسمانی است فرستاده و کتابی است که آیاتش به هم شبیه و هماهنگ است.»

25- تغافل؛

زمانی که یکی از برادران یوسف در حالی که او را نمی‌شناخت به او تهمت دزدی زد؛

«إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ»؛ «اگر (این برادر ما) دزدی کرد، به تحقیق او برادری هم از قبل داشته (منظورش یوسف علیهِ السلام است) که دزدی کرده است.» حضرت (این تهمت را) نادیده گرفت بزرگواری و تغافل کرد؛ «فَأَسْرَوْهَا يُوسُفُ فَبِئْسَ مَا كَانُ يَفْعَلُ» (31)؛ «لَهُمْ»؛

«پس این تهمت را یوسف در خود پنهان داشته و به روی آن‌ها نیاورده و اظهار ننمود (که من یوسف هستم و شما تهمت می‌زنید).»

26- با آهنگ و حرکات مناسب؛

علی علیهِ السلام برای تحریک و تشویق مردم برای جهاد در راه خدا؛ «ثم نادى بأعلى صوته الجهاد، الجهاد عباد الله»؛ «سپس (علی علیهِ السلام) ندا داد به بلندترین صوت خود که بندگان خدا بر شما باد جهاد، جهاد.»

در مورد دیگر در سخنرانی برای شهیدان؛

«ثم ضرب بیده على لحيته الشريفة الكريمة فأطال البكاء» (32)؛ «سپس دست خود به صورت زده و گریه طولانی نمود.»

27- مختصر و مفید؛

امام کاظم علیهِ السلام می‌فرماید؛

«من محاطائف حکمتہ بفضول کلامہ فكأنما إعان هواه على هدم عقله» (33)؛

«هرکس با زوائد سخن خود، شیرینی و زیبایی حکمت را محو کند، گویا بر نابودی عقل خود اقدام کرده است.»

28- مناسب با مقتضای حال؛

«انّا معاشر الانبياء امرنا ان نكلّم الناس على قدر عقولهم» (34)؛

«ما گروه پیامبران مأموریم که با انسانها به اندازه عقل و درکشان سخن بگوییم.»

29- صریح و قاطع؛

«قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ * لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ» (35)؛
«بگو: ای کافران، آنچه را شما می‌پرستید من نمی‌پرستم.»

30- رعایت تناسب سن و سخن؛

امیرالمؤمنین علیه السلام (خطاب به کسی که بالاتر از شأن خود سخن می‌گفت) فرمود:

«لقد طرت شكيرا و هدرت سقبا» (36)؛ «پَر در نیاورده پرواز کردی و در خردسالی آواز بزرگان سر دادی.»

31- ساده و روان؛

«فَإِنْ زَمَّ مَا يَسَّرَ نَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّ هُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (37)؛

«ما قرآن را به زبان تو ای رسول آسان (ساده و روان) کردیم، امید است که مردم (حقایق آن را) متذکر شوند.»

32- شیوا و رسا؛

«قُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلٌ لَّا يُلِيغُ» (38)؛
«و آنان را درباره خودشان سخن رسا بگو.»

33- مایه رشد و کمال؛

«قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا» (39)؛ «موسی علیه السلام به او (حضرت خضر علیه السلام) گفت: آیا به دنبال تو بیایم تا آنچه بر تو تعلیم شده و مایه رشد (و کمال و صلاح) من است به من بیاموزی؟»

34- بشارت و تشویق؛

«خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (40)

«(ای پیامبر) از اموالشان صدقه (زکات) بگیر تا بدین وسیله آنان را (از بخل و دنیاپرستی) پاک سازی و رشدشان دهی و بر آنان درود فرست (و دعا کن) زیرا دعای تو مایه آرامش (و تشویق) برای آنان است و خداوند شنوای داناست.»

35- جامع و متنوع؛

علی علیه السلام می‌فرماید:

«ان هذه القلوب تمل كما تمل الأبدان فابتغوا لها طرائف الحکمة» (41)؛ «بدرستی که قلبها خسته می‌شوند همان گونه که بدنها خسته می‌شوند، پس برای آنها دانشهای تازه و جالب بطلبید.»

36- هشدار و موعظه؛

«كَذَّبَ آبَاءُ آلِ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (42)؛

«(شیوه آن‌ها در انکار و تحریف حقایق) همچون شیوه آل فرعون و کسانی است که پیش از آن‌ها بودند، آیات ما را تکذیب کردند و خداوند آن‌ها را به (کیفر) گناهانشان رسانید و او سخت مجازات کننده است.»

37- آزادی؛

«... فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بِمَسِيرِ بِلَالٍ عِبَادٍ» (43)؛
«پس اگر تسلیم شدند (و اسلام آوردند) همانا هدایت یافته‌اند، و اگر سرپیچی کردند (نگران مباش، زیرا) وظیفه تو فقط رساندن دعوت الهی است، (نه اجبار و اکراه) خداوند به حال بندگان بیناست.»

-
- (12) علق، 1.
 - (13) شرح، 7 - 8.
 - (14) نمل، 30.
 - (15) کنز العمال، ج 1، ص 558.
 - (16) نجم، 3 - 4.
 - (17) طه، 25 - 28.
 - (18) بحار الانوار، ج 2، ص 79.
 - (19) حج، 24.
 - (20) فاطر، 10.
 - (21) ابراهیم، 1.
 - (22) آل عمران، 4.
 - (23) نحل، 125.
 - (24) احزاب، 70.
 - (25) قدر، 1.
 - (26) انعام، 76.
 - (27) منتهی الامال، ج 2، ص 166.
 - (28) طه، 43 - 44.
 - (29) کهف، 1.
 - (30) زمر، 23.
 - (31) یوسف، 77.

- (32) نهج البلاغه فيض، خطبه 181.
- (33) اصول كا في، ج 1، ص 17.
- (34) ترجمه اصول كا في، ج 1، ص 27.
- (35) كا فرون، 1.
- (36) نهج البلاغه دشتي، حكمت 402.
- (37) دخان، 58.
- (38) نساء، 63.
- (39) كهف، 66.
- (40) توبه، 103.
- (41) نهج البلاغه فيض، ص 1127.
- (42) آل عمران، 11.
- (43) آل عمران، 20.